

نقدی در محرومیت زوجه در ارث از زمین

(نظر به ماده ۹۴۶ ق.م.)

◆ چکیده :

آنچه که میان فقها در اعصار کنونی از فتاوی مشهور محسوب می‌شود، این است که زوجه نه از عین زمین ارث می‌برد و نه از قیمت آن، نویسندگان قانون مدنی نیز در هنگام تدوین، بر این نظریه توجه نموده و در ماده ۹۴۶ چنین مرقوم داشتند: زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد ولیکن زوجه از اموال ذیل: ۱- از اموال منقوله از هر قبیل که باشد ۲- از ابنه و اشجار.

همانگونه که در این ماده آمده است: زوجه از میراث در زمین محروم می‌باشد. اما اگر در کتب فقهی موجود سبیری گذرا داشته باشیم، به سادگی ملاحظه می‌کنیم که نظریه فوق تنها یکی از دیدگاهها بوده و همانگونه که در آینده بیان خواهیم داشت فقهاء زیادی از دیرباز این نظریه را رد نموده‌اند که ما به نقد و بررسی این دیدگاهها خواهیم پرداخت.

ما پس از بیان روایات موافق و مخالف و دیدگاه های فقهایی که در دو گروه موافقین و مخالفین قرار گرفته بودند، مطالب ذیل را به عنوان نتیجه بیان کردیم: اینکه زوجه از ارث در زمین بطور مطلق محروم باشد، دیدگاهی است که نمی‌توان به سادگی آن را پذیرفت بلکه به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن مجموع ادله مناسبتر است که بگوئیم:

ما در اصل بردن میراث از سوی زوجه به اطلاق آیه عمل می‌کنیم و با توجه به اینکه ۱۷ روایت در تخصیص آیه وارد شده است، به این اخبار توجه می‌کنیم. از آنجا که این اخبار بنا به اعتراف بسیاری از موافقین، صلاحیت تخصیص آیه را ندارند، بنابراین اصل ارث از زمین ثابت است. حال با توجه به اینکه مجموع این اخبار را نمی‌توان نادیده گرفت، یک بار به جمع این ۱۷ روایت با آیه می‌پردازیم و بار دیگر به جمع با آن دو روایت. اولاً: در جمع با آیه نظریه سید مرتضی متین است که فرمودند: ارث از قیمت زمین طریق جمع میان آیه و این اخبار است. که نظریه سید مورد قبول بسیاری از جمله علامه و غیره قرار گرفته است. ثانیاً: در جمع میان این ۱۷ خبر و آن دو روایت نیز به جمع مشهور توجه می‌کنیم: که زوج در صورتی که دارای فرزند باشد، از زمین ارث می‌برد.

بنابراین: (در صورتی که زوجه، فرزندی از شوهر خود داشته باشد، علاوه بر قیمت منقولات، از قیمت زمین نیز براساس سهام مفروض (یک هشتم) ارث می‌برد).

واژه های کلیدی: زوجه، ارث، رباع (زمین)، اشجار (درختان)، بناء، محرومیت

نگارش:

محمدعلی خیرالهی، (م، ۱۳۴۵)، عضو هیأت علمی واحد بابل

طرح بحث:

« این موضوع از مشکلات فن فقه است پس خداوند ما را در تحقیق حال یاری کند » مقدس

اردبیلی^۱

به نام آنکه شرایع اسلام را راهی به سوی حدایق خویش قرار داد.

ارث در لغت از ماده ورث و به معنی بقاست و وارث از صفات خداوند در قرآن کریم است (سوره حجر آیه ۲۲) این واژه اصطلاحی فقهی و حقوقی است که به معنی انتقال دارایی و حقوق (میراث) شخص در گذشته (مورث) به شخص زنده (وارث) است که با رعایت شروط و موازینی خاص انجام می‌پذیرد.

آنچه که میان فقهاء در اعصار کنونی از فتاوی مشهور محسوب می‌شود، این است که زوجه نه از عین زمین ارث می‌برد و نه از قیمت آن، نویسندگان قانون مدنی نیز در هنگام تدوین، بر این نظریه توجه نموده و در ماده ۹۴۶ چنین مرقوم داشتند:

زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد ولیکن زوجه از اموال ذیل: ۱- از اموال منقوله از هر قبیل که باشد ۲- از ابنیه و اشجار. (بناءها و درختان)

همانگونه که در این ماده آمده است: زوجه از میراث در زمین محروم می‌باشد. اما اگر در کتب فقهی موجود سیری گذرا داشته باشیم، به سادگی ملاحظه می‌کنیم که نظریه فوق تنها یکی از دیدگاهها بوده و همانگونه که در آینده بیان خواهیم داشت فقهاء زیادی از دیر باز این نظریه را رد نموده‌اند که ما به نقد و بررسی این دیدگاهها خواهیم پرداخت.

البته مناسب است این نکته را متذکر شوم از آنجا که بقول سیدمرتضی این مسأله از متفردات امامیه می‌باشد و اهل سنت بر اساس اطلاق آیه (ولهن الثمن مما ترکتم ان لم یکن لکم ولد) (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۱) به زوجه یک‌هشتم کل اموال زوج را پرداخت نموده و هیچگونه تخصیص یا تقییدی را به این آیه متوجه نمی‌کنند.

وبر این اساس ما مشاهده می‌کنیم که اهل سنت راجع به این موضوع اصلاً بحث نکرده و مانیز از آنها چیزی نیافتیم. ما قبل از ورود به بحث اصلی، به اختصار از میراث زن در تاریخ نکاتی را بیان میکنیم.

۱. میراث زن در تاریخ

در ایران باستان دو عنوان برای زنان مطرح بوده است: زن ممتاز و چاکرزن، زنان ممتازو پسرانش به یک میزان ارث می بردند ولی چاکر زن و فرزندانش حق ارث نداشتند. در یونان باستان میراث خانواده به بزرگترین پسر می رسید و دیگران عموماً از ارث محروم بوده اند. رومیها خانواده را واحدی مستقل می دانستند و سرپرست خانواده مالک مطلق اموال بود و هنگامی که پدر میمرد یکی از پسران یا برادران او که می توانست خانواده را سرپرستی کند، تمام اموال را تحت اختیار خود قرار می داد. (جمعی از محققین. دایره المعارف بزرگ اسلامی. ۱۳۷۹ ج ۷ ص ۴۵۰)

در شریعت یهود اصل کلی مبتنی بر محرومیت زنان به ویژه زوجه از ارث است و در تورات آمده است:

تا وقتی که فرزند پسر وجود داشته باشد، دختر ارث نمی برد و چنانکه برای متوفی پسری نباشد، ارث او به دخترانش می رسد. (تورات سفر اعداد ۸: ۲۷- به نقل از دایره المعارف بزرگ اسلامی ج ۷ ص ۴۵۰)

در میان عرب پیش از اسلام سه گونه نسبت موجب ارث بود: ۱- قرابت نسبی ۲- فرزند خواندگی ۳- ولاء.

وهر قرابتی نیز موجب ارث نمی شد بلکه مرد بودن، بلوغ، قدرت دفاع، و حمل سلاح از شروط آن بود. با ظهور شریعت اسلام و نزول قرآن، شیوه محروم کردن زنان از ارث، مانند بسیاری از آداب جاهلی باطل شناخته شد و ضمن تثبیت ارث برای زنان قاعده دوبرابر بودن سهم مردان نسبت به زنان مطرح گردید.

۲. ادله مخالفین میراث زوجه از زمین

یکی از مخالفین میراث زوجه از زمین ابن ادریس می باشد او در بیان نظریه خویش عنوان می کند: در صورتی که ما و ظاهر قرآن باشیم و دلایل دیگر را در نظر نگیریم به زوجه از تمام اموال ماترک ارث می دادیم و اگر هم از این اعطاء کل عدول نمودیم، بخاطر اجماع و تواتر اخبار است و لذا می گوئیم زوجه از خاک ارث نمی برد. و از قیمت آن نیز بهره ای نخواهد برد بلکه به منقولات و اعیان توجه کرده و قیمت آن را به زوجه پرداخت می نمایم. و همچنین اینکه می گویند

زوجه در صورتی که دارای فرزند باشد، از تمام ما ترک به او پرداخت می شود، این اختیار ابن بابویه است که دلیل او خبر واحدی می باشد که برای ما علم و عملی را ایجاب نمی کند. (ابن ادریس حلی. ۱۴۱۰هجری ج ۳ ص ۲۵۸)

در دیدگاههای ابن ادریس دو نکته قابل توجه است:

الف: ایشان ادعای اجماع می کنند که زوجه از زمین ارث نمی برد، در حالیکه چنین اجماعی مخدوش است زیرا ما در بخش ادله موافقین، به نام و بیان فقهاء بزرگی از متقدمین و متأخرین اشاره خواهیم کرد که آن خود بنوبه خویش می تواند نوعی اجماع برای موافقین میراث باشد.

ب: ابن ادریس در سخنان خود خبر واحد را موجب علم و عمل نمی داند و بر این اساس دیدگاه ابن بابویه را مورد نقد قرار داد، در حالیکه بر اساس یک تحلیل که در اصول فقه تبیین شده است: در صورتی که خبر واحد موثوق الصدور بوده و همچنین تباین با قرآن نیز نداشته باشد می توان بدان عمل نمود و عمل نکردن بر اساس خبر واحد دیدگاهی قدیمی است که دیگر طرفداری در میان اصولیین ندارد.

از جمله مخالفین میراث زوجه صاحب ریاض می باشد، ایشان عنوان میکنند:

شکی نیست که زوجه از عقار چیزی به ارث نمی برد و تنها از قیمت آلات، بناء اعم از چوب و غیره می تواند بهره مند گردد و دلیل ما نصوص مستفیضه ای است که حتی می توان ادعای تواتر احادیث را در این خصوص ابراز نمود. و همچنین مقتضای اطلاق عبارات فقهاء این است که در حرمان تفاوتی نمی کند که زوجه دارای فرزند باشد یا نه و این نظریه اقوی است. (الطباطبایی. ۱۴۱۲ ج ۹ ص ۱۴۰)

دیگر مخالف میراث زوجه از زمین، فقیه خبیر صاحب جواهر می باشد. ایشان پس از نقل کلام زیبای صاحب دعایم الاسلام که ما نیز بدان می پردازیم، عنوان نمودند که این سخن غریب از فقه و فقهاء است و سپس در شرح سخن صاحب شرایع که اگر زوجه دارای فرزند باشد از زمین ارث میبرد گفتند:

ما دلیل قابل اعتنایی برای این تفصیل مشاهده نکرده ایم بلکه ظاهر اجماعات و روایات، این است که فرق میان زنان دارای فرزند و غیره وجود ندارد. البته در مقطع (روایتی که سلسله سند آن قطع شده و پیوسته نباشد) این اذینه چنین حکمی آمده است، ولی ما بدلیل اینکه در روایت بودن آن شک داریم، دارای حجت نبوده و جمع میان این روایت و روایات دیگر جمع بدون شاهد است. (محمد حسن النجفی ۱۳۶۷ ج ۳۹ ص ۲۱۲)

فقهاء معاصر عموماً براساس نظریه مخالفین به این موضوع نگرسته اند که البته برخی با اجتناب برخورد نموده و برخی نیز تفصیلهایی داده اند که ما به چهار دیدگاه اشاره میکنیم:

مرحوم طباطبایی در جواب سؤالی گفته اند: (زوجه، چه ذات ولد نباشد، چه باشد، از منقولات ارث میبرد عیناً و از اراضی محرومه (به او داده نمی شود) است مطلقاً، عیناً و قیمتهاً، بدون فرق مابین اراضی مساکن و خانات و بساتین (زمین، خانه، مغازه، باغ) و غیرها. و از اشجار محرومه است عیناً، نه قیمه، و هکذا از ابنیه و آلات آن. و مجرای آب، چه قنات باشد، چه غیر آن، در حکم اراضی است. (السید الیزدی. ۱۳۶۷ ص ۱۴۰)

امام خمینی نیز چنین عنوان نمودند:

مسألة ۵ - يرث الزوج من جميع تركه زوجته من منقول وغيره ، وترث الزوجة من المنقولات مطلقاً، ولا ترث من الاراضى مطلقاً لا عیناً ولا قیمه سواء كانت مشغولة بالزرع والشجر والبناء وغيرها أم لا، وترث قیمه خاصة من آلات البناء كالجدوع والخشب والطوب ونحوها، وكذا قیمه الشجر والنخل (السید الخمینی. ۱۳۷۵ ج ۲ ص ۲۹۷)

(زوج از تمام ترکه زوجه ارث می برد ولیکن زن تنها از منقولات)

مرحوم آیت الله خویی نیز همین عقیده را دارند:

يرث الزوج من جميع ما تركته الزوجة منقولا وغيره أرضاً وغيرها وترث الزوجة مما تركه الزوج من المنقولات والسفن والحيوانات ولا ترث من الارض لا عیناً ولا قیمه وترث مما ثبت فيها من بناء وأشجار وآلات وأخشاب ونحو ذلك (السید الخوئی. ۱۴۱۰ ج ۲ ص ۳۷۲)

(زوج از تمام ترکه زوجه ارث می برد ولیکن زن تنها از منقولات)

فقیه متقی آیت الله گلپایگانی نیز دارای همین فتوی بوده ولیکن در غیر زمین منزل یعنی

زمینهای کشاورزی و باغ می فرمایند:

والاحوط الاولى ان يحصل ساير الورثه رضاها في غير ارض الدار - احوط و اولی این است که در غیر زمین منزل ورثه رضایت زوجه را جلب کنند. (السید الگلپایگانی ص ۱۵۵) ایشان در جای دیگر ارث زوجه را از زمینهای غیر از منزل مسکونی ثابت می دانند: و اما ارث زن از قیمت متصرفی اگر مقصود از متصرفی موردی است که شرعا برای متصرف حقی ثابت باشد زن نیز از آن حق ارث میرد. (السید الگلپایگانی ۱۴۱۴ - ج ۲ ص ۳۴۹)

روایات:

ما در خاتمه این قسمت تنها به دو روایت از هفده روایتی که ظاهرا بر منع زوجه از زمین دلالت دارند اشاره می کنیم:

۱. زراره عن أبي جعفر (عليه السلام) أن المرأة لا ترث مما ترك زوجها من القرى والدور والسلاح والدواب شيئا ، وترث من المال والفرش والثياب ومتاع البيت مما ترك ، وتقوم النقص والابواب والجذوع والقصب فتعطي حقها منه . (حر عاملي ۱۴۱۴ - ج ۱۷ باب ۶ ح ۱)

زراره از امام باقر (ع) روایت می کند که زوجه از آنچه که زوج به ارث گذاشت از قریه و خانه و سلاح و چهار پایان به ارث نمی برد و تنها از مال و فرش و لباس و متاع خانه می تواند سهمی به عنوان ارث دریافت کند و نیز مصالح ساختمان ، درب ها و چوب قیمت گذاری شده و حق زوجه از قیمت داده می شود.

عن أبان الاحمر قال : لا أعلمه إلا عن ميسر بياح الزطی ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : سألته عن النساء ما لهن من الميراث ؟ قال : لهن قيمة الطوب والبناء والخشب والقصب ، فأما الارض والعقارات فلا ميراث لها، قال : قلت : كيف صار ذا ولهذه الثمن ولهذه الربع مسمى ؟ قال : لان المرأة ليس لها نسب ترث به وإنما هي دخيل عليهم إنما صار هذا كذا لثلاث تزوج المرأة فيجئ زوجها أو ولدها من قوم آخرين فيزاحم قوما آخرين في عقارهم . (حر عاملي - ج ۱۷ باب ۶ ح ۳)

میسر بیاح از امام صادق (ع) سؤال نمودند در خصوص زنان که میراث آنها چه مقدار می باشد امام در پاسخ فرمودند: که آنها قیمت مصالح ساختمانی مانند خشت و چوب را دریافت می کنند اما از زمین و عقار میراثی برای آنها نیست .

اصطلاحات: در روایات اصطلاحاتی بیان شده است که در ذیل بدان می پردازیم:

رباع: جوهری رباع را جمع ربع می داند که عبارت از خانه می باشد. (جوهری ۱۴۰۷-ج ۳ ص ۱۲۱۱)

صاحب جواهر عنوان می کند که رباع میان لغویین به منزل معروف است. وطن ربع نامیده می شود زیرا شخص در آن تربیع میکند یعنی اطمینان پیدا می کند. (محمد حسن النجفی ج ۳۹ ص ۲۱۳)

ضیاع: در لسان العرب عقار را به منزل و ضیعه معنی کرده است (ابن منظور - ۱۴۰۵ ج ۱۲ ص ۲۳۱)

و صاحب جواهر نیز عقار را به غیر منزل تعبیر نموده و آن را به نخل و سایر درختان تفسیر می کند ولیکن از روایات استفاده می نماید که عقاره هر آنچه که دارای اصل باشد مانند خانه و درخت گفته می شود. (محمد حسن النجفی ج ۳۹ ص ۲۱۳)

۳. ادله موافقین میراث زوجه از زمین

یکی از موافقین میراث شیخ طوسی است که عنوان میکند: این حکم برخی از اصحاب که زوجه از زمین ارث نمی برد در صورتی است که زن از شوهر خویش فرزندی نداشته باشد، که در صورت وجود فرزند حق زن به طور کامل پرداخت می شود. (شیخ طوسی ص ۴۴۲)

قاضی ابن براج نیز یکی از موافقین میراث بوده و چنین می گوید: در صورتی که زوجه از همسر خویش فرزند داشته باشد، از تمام ماترک ارث می برد - ولم يمنع من شیء منه (القاضی ابن البراج ۱۴۰۶-ج ۲ ص ۱۴۰)

علامه حلی نیز این دیدگاه را پذیرفته و می گوید: زوجه در صورتی که فرزند داشته باشد، از تمام ترکه اعم از زمین، مسکن و باغ به ارث می برد. (علامه حلی - ۱۴۱۲ ج ۹ ص ۴۳)

سید مرتضی نیز به نوعی از جمله موافقین محسوب شده و می گوید: یکی از متفردات امامیه این است که زوجه از زمین شوهر خود ارث نمی برد، اما فقهاء از اهل سنت مخالفت نموده و بین زمین و غیره فرق نگذاشتند. آنچه که در نفس من قوی جلوه می کند این است که به زوجه قیمت زمین و مانند آن پرداخت می شود.

او در تقویت نظریه خود عنوان می کند: اگر ما به احتساب قیمت پردازیم، هم به روایات عمل کرده و هم ظاهر کتاب از تخصیص سالم می ماند. (الاتصار - الشریف المرتضی ۱۴۱۵ ص ۵۸۲)

شهید اول نیز بشرط داشتن فرزند از زوج متوفی برای زن از زمین ارث کامل در نظر می‌گیرد و شهید ثانی نیز نظر ایشان را مورد تأیید قرار می‌دهد. (الشهد الثانی ۱۴۱۰-ج ۸ ص ۱۷۴)

صاحب مستدرک وسایل، سخنی در ذیل احادیث باب مطرح نمودند که ذکر آن مفید است: این مسأله از مشکلات مسایل میراث است که اختلاف زیادی در مورد آنچه که زوجه از آن محروم می‌شود وجود دارد که آیا مطلق زوجه از زمین محروم می‌شود و یا اینکه میان صاحب اولاد و غیره تفاوت وجود دارد. به شهادت مقطوعه ابن اذینه اینکه حرمان مخصوص زوجاتی است که از زوج خود فرزندی نداشته باشند. (میرزا حسین النوری ۱۴۰۸ ج ۱۷ ص ۱۹۶)

یکی از موافقین میراث زوجه که نکات زیبایی نیز مطرح نموده است نعمانی در دعایم می‌باشد و به دلیل با اهمیت بودن مطالب ایشان، ما به صورت کامل آن را ذکر می‌نماییم که صاحب جواهر نیز به همین دلیل تمام متن او را ذکر کرده است:

از اهل بیت (ع) مطالب مجملی وارد شده است که ندیدیم کسی آن را تفسیر کند، لذا بر بسیاری از مردم بدان خاطر شبهاتی وارد شده است که ما مناسب دیدیم معانی این کلمات را واضح نماییم.

از جمله مسایل این است که از امام صادق (ع) و امام باقر (ع) روایت شده است که زنان از زمین ارث نمی‌برند و تنها از قیمت منقولات به آنها داده می‌شود. و این از مواردی است که اگر بر اساس ظاهر به آن حکم شود، مخالف کتاب، سنت و اجماع می‌باشد.

در واقع این احادیث تأویل دارند و آن زمینهای مفتوحه عنوه فتح شده بواسطه جنگ می‌باشند. زیرا این زمینها در ازاء جهاد رزمندگان که این زمینها را از دست کفار آزاد کرده بودند، به آنها داده می‌شد و برای مسلمانها در مقابل کفار و مشرکین تقویت محسوب می‌گردید. امامان این زمینها را برای مردان در نظر گرفتند تا ملکیت مردان بر زمینهای مفتوحه موجب قدرت و شوکت برای رزمندگان شود. (قاضی نعمانی ۱۳۸۳ - ج ۲ ص ۳۹۰)

روایات:

موافقین عموماً دو روایت در اثبات دیدگاه خویش بیان می‌کنند که این دو خبر بعنوان مخصص روایات سابق محسوب می‌گردد.

حضرت آیت الله العظمی تبریزی در درسهای خارج فقه خود از قول اساتید بزرگ خویش در نجف چون آقای خوبی نقل می فرمودند که صاحب وسایل الشیعه دیدگاههای خود نسبت به روایات و فتاوی فقهی خویش را در سر فصل هر باب ذکر نموده است و در واقع عناوینی که ایشان بیان می فرمایند، همان نظرات ایشان است مانند همین بحث که ایشان عنوان نمودند:

باب ان الزوج يرث من كل ما تركت زوجته وكذا جميع الوراث . وكذا الزوجه التي لها منه ولد. -باب اینکه زوج از تمام ماترک زوجه ارث می برد وهمچنین زوجه ای که دارای فرزند است.

۱ - محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد، عن فضالة، عن أبان عن الفضل بن عبد الملك (وابن أبي يعفور)، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال :

سألته عن الرجل هل يرث من دار امرأته أو أرضها من التربة شيئاً؟ أو يكون في ذلك بمنزلة المرأة فلا يرث من ذلك شيئاً؟ فقال: يرثها وترثه من كل شيء ترك وتركت. وحمله أيضاً هو والصدوق وغيرهما على ما إذا كان للمرأة ولد لما يأتي (حر عاملی -وسایل الشیعه-باب ۷ از ابواب میراث ازواج حدیث ۱)

ابن ابی یعفور از امام صادق (ع) روایت می کند که از امام سؤال کردم که آیا مرد از اموال همسرش ارث می برد یا مانند زن است که هیچ چیز نبرد؟ امام در پاسخ فرمودند: مرد وزن هردو از تمام اموال یکدیگر ارث می برند. شیخ طوسی و صدوق و دیگران این روایت را بدان حمل کردند که زن دارای فرزند باشد.

۲ - و باسناده عن محمد بن أحمد بن يحيى، عن يعقوب بن يزيد، عن ابن أبي عمير، عن ابن اذينة في النساء إذا كان لهن ولد اعطين من الرباع . ورواه الصدوق باسناده عن محمد بن أبي عمير. (حر عاملی -وسایل الشیعه-باب ۷ از ابواب میراث ازواج ح ۲)

ابن ابی عمیر از عمر بن اذینه نقل می کند که زنان در صورتی که فرزند داشته باشند از زمین ارث میبرند. از آنجا که امکان داشت برخی گمان نمایند که مقطوعه عمر بن اذینه اصلاً روایت نیست، صاحب مستدرک چنین پاسخ می دهند :

ظاهر این است که این روایت خبر بوده و این از شهادت صدوق بدست می آید زیرا صدوق وقتی طایفه اول از اخبار را آورده بود، سپس به بیان خبر معارض پرداخت که زن و شوهر از تمام اموال یکدیگر ارث می برند و شیخ صدوق در ذیل این روایت فرمودند:

این در صورتی است که زن از شوی خویش فرزند داشته باشد. اما اگر فرزندی نداشته باشد از زمین ارث نمی برد و تصدیق این سخن روایت ابن ابی عمیر از ابن اذینه است که زنان در صورتی که فرزندی داشته باشند از زمین ارث می برند. و این نظریه شیخ صدوق در مورد میراث زوجه اقوی می باشد. (میرزا حسین النوری ج ۱۷ ص ۱۹۶)

نتیجه

پس از بیان روایات موافق و مخالف و دیدگاه های فقهایی که در دو گروه موافقین و مخالفین قرار گرفته بودند، می توان مطالب ذیل را به عنوان نتیجه بیان نمود:

۱- نص کتاب: آنچه که همواره بسان خورشیدی درخشان بر فراز مباحث این موضوع نور افشانی می کند و وجود آن غیر قابل انکار بوده و دلالت آن چون وجودش روشن و تابناک می باشد، آیه (ولهن الثمن مما ترکتم ان لم یکن لکم ولد) (سوره نساء- آیه ۱۱)

بوده و بر این اساس یکی از مهمترین ارکان استدلال موافقین میراث زوجه از زمین، که کتاب حکیم است، مهیا می باشد که مانعین میراث برای فایق آمدن بر این دلیل نتوانستند آیه ای اقامه کنند. بنابراین دست مانعین از کتاب برای استدلال کوتاه است.

۲. وجود فرزند رافع قبح: اینکه عنوان نموده اند که زوجه اگر از زمین ارث برد از آنجا که زوجه در معرض ازدواج قرار دارد و شوهر جدید خود را در زمین میراثی خود سکونت می دهد و این به مذاق بستگان شوهر متوفی خوشایند نیست با دیدگاه فقهایی که مانند شیخ طوسی و دیگران که با وجود فرزند حق زوج را از زمین ثابت می دانند رد می شود به این دیدگاه که وجود فرزند قبح سکونت زوج دوم را از بین برده و دیگر نمی توان به این بهانه زوجه را از میراث منع نمود.

۳. پاسخ تقضی: اینکه گفته می شود زوجه همواره در معرض ازدواج است و نباید از زمین ارث ببرد، پاسخ نقضی در پی دارد به این تقریر که زوج نیز که از زمین زوجه ارث می برد همواره

در معرض ازدواج است. بلکه این حالت بیش از ازدواج زوجه مصداق دارد، در حالیکه ما با این توجیه زوج را از میراث در زمین منع نمی کنیم.

۴. اقتصار بر قدر متیقن: در تخصیص کتاب به وسیله روایات قاعده ای وجود دارد که: در تخصیص عمومات قطعی باید بر قدر متیقن اقتصار نمود و بر این اساس آنچه که در روایات مانع وارد شده است، محرومیت زوجه از زمینی است که در آن سکونت می کنند و این محرومیت را نباید به زمین و باغ و بستانی که محل سکونت نیست سرایت داد.

۵. جمع میان روایات: در صورتی که به جمع میان روایات موافق و مخالف پرداخته شود، می توان این نظریه را به عنوان نقطه جمع مطرح نمود که اگر زوجه دارای فرزند باشد از زمین به او ارث داده می شود و با چنین تفصیلی تخصیص کمتری نیز به قرآن وارد شده و جمع میان نصوص نیز صورت می پذیرد.

نظریه نهایی:

موارد فوق نکاتی بود که به مجموع ادله باز می گشت ولیکن در نهایت می توان گفت: اینکه زوجه از ارث در زمین بطور مطلق محروم باشد، دیدگاهی است که نمی توان به سادگی آن را پذیرفت بلکه به نظر می رسد با در نظر گرفتن مجموع ادله مناسبتر است که بگوییم: ما در اصل بردن میراث از سوی زوجه به اطلاق آیه عمل می کنیم و با توجه به اینکه ۱۷ روایت در تخصیص آیه وارد شده است، به این اخبار توجه می کنیم. از آنجا که این اخبار بنا به اعتراف بسیاری از موافقین، برخی در دلالت و برخی در سند قصور دارند و از سویی دیگر مبتلا به معارض نیز می باشند، صلاحیت تخصیص آیه را ندارند. بنا بر این اصل ارث از زمین ثابت است. حال با توجه به اینکه مجموع این اخبار را نمی توان نادیده گرفت، یک بار به جمع این ۱۷ روایت با آیه می پردازیم و بار دیگر به جمع با آن دو روایت.

اولاً: در جمع با آیه نظریه سید مرتضی متین است که فرمودند: ارث از قیمت زمین طریق جمع میان آیه و این اخبار است. که نظریه سید مورد قبول بسیاری از جمله علامه و غیره قرار گرفته است.

ثانیاً: در جمع میان این ۱۷ خبر و آن دو روایت نیز به جمع مشهور توجه می‌کنیم: که زوج در صورتی که دارای فرزند باشد، از زمین ارث می‌برد.
 بنابراین: در صورتی که زوجه، فرزندی از شوهر خود داشته باشد، علاوه بر قیمت منقولات، از قیمت زمین نیز بر اساس سهام مفروض (یک‌هشتم) ارث می‌برد.^{۱۵}

منابع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- جمعی از محققین. ۱۳۷۹ دایره المعارف بزرگ اسلامی. ج ۷ نشر تهران.
- ۳- ابن ادریس حلی. ۱۴۱۰ هجری السرایر. ج ۳. قم. جامعه المدرسین رقم ۵۶۰
- ۴- الطباطبائی. سید علی. ۱۴۱۲ ریاض المسایل ج ۹ قم. جامعه المدرسین
- ۵- النجفی. محمد حسن. ۱۳۶۷ جواهر الکلام ج ۳۹ قم دار لکتب الاسلامیه
- ۶- السید الموسوی الخمینی. ۱۳۷۵ تحریر الوسیله طبع المدرسین ج ۲
- ۷- السید الیزدی. ۱۳۶۷ سؤال و جواب (فارسی) تهران مرکز نشر علوم اسلامی
- ۸- السید الخوئی. ابو القاسم. ۱۴۱۰. منهاج الصالحین ج ۲ قم. نشر مدینه العلم
- ۹- (السید الگلپایگانی. مختصر الأحکام قم دار القرآن)
- ۱۰- السید الگلپایگانی. ۱۴۱۴ مجمع المسائل (فارسی) - ج ۲ نشر دار القرآن قم
- ۱۱- (حر عاملی - ۱۴۱۴ وسایل الشیعه ج ۱۷ باب ۶ مؤسسه آل البیت قم)
- ۱۲- (جوهری ۱۴۰۷ الصحاح ج ۳ بیروت. دار العلم للملایین)
- ۱۳- ابن منظور ۱۴۰۵ لسان العرب. ج ۱۲ ص ۲۳۱ نشر ادب الحوزه
- ۱۴- شیخ طوسی - النهایه ص ۴۶۲ قم نشر قدس محمدی
- ۱۵- القاضی ابن البراج ۱۴۰۶ المهذب - ج ۲ نشر جامعه المدرسین (۳۵۷)
- ۱۶- علامه حلی - ۱۴۱۲ مختلف الشیعه. ج ۹ ص قم نشر جامعه المدرسین)
- ۱۷- الشریف المرتضی. الانتصار - ۱۴۱۵ قم جامعه المدرسین)
- ۱۸- الشهدی الثانی ۱۴۱۰ شرح لمعه ج ۸ قم نشر الداوری. قم)
- ۱۹- میرزا حسین النوری ۱۴۰۸ مستدرک الوسائل ج ۱۷ قم طبع مؤسسه اهل البیت)
- ۲۰- قاضی نعمانی ۱۳۸۳ دعایم الاسلام ج ۲ بیروت طبع دارالمعارف. بیروت)